

## پیش داوری های کلاسیک و مدرن در مورد افراد با کم توانی ذهنی

صدیقه رضایی دهنوی / استادیار روان شناسی، بخش علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه پیام نور بهارستان اصفهان

اعظم مرادی / استادیار روان شناسی، بخش علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه پیام نور شهر کرد

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان انواع پیش داوری کلاسیک و مدرن در مورد افراد با کم توانی ذهنی در دانشجویان دوره کارشناسی و بررسی تأثیر جنسیت و رشته تحصیلی بر انواع پیش داوری بود. نمونه عبارت بود از ۱۸۹ نفر از دانشجویان دوره کارشناسی رشته های مختلف دانشگاه اصفهان که از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها مقیاس پیش داوری های کلاسیک و مدرن در مورد با کم توانی ذهنی (اکرمی و همکاران، ۲۰۰۶) به کار برده شد. داده ها با استفاده از آزمون تی تک نمونه ای و تحلیل واریانس یک راهه مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که پیش داوری کلاسیک و مدرن در دانشجویان مقطع کارشناسی شایع است. جنسیت و رشته تحصیلی با پیش داوری کلاسیک و مدرن رابطه ندارد، اما آشنایی بیشتر با افراد کم توان ذهنی با کاهش پیش داوری کلاسیک همراه است. برای کاهش پیش داوری کلاسیک نسبت به افراد کم توان ذهنی باید زمینه برای ارتباط بیشتر دانشجویان با این افراد فراهم شود. **واژه های کلیدی:** پیش داوری های کلاسیک و مدرن، افراد کم توان ذهنی، دانشجویان.

که افراد با ناتوانی بخشی از جامعه ما هستند، دانستن دیدگاه دیگران نسبت به این اشخاص برای رسیدن به هدف یکپارچگی کامل افراد با ناتوانی در جامعه ضروری به نظر می رسد. از طرفی یکی از ابزارهای مهم برای برنامه های تلفیق، گسترش نگرش های مثبت به افراد با ناتوانی است. رشد نگرش های مثبت منوط به از بین رفتن پیش داوری ها و نگرش های منفی است که این هم خودش منوط به درک نگرش افراد به اشخاص با ناتوانی است.

نگرش منفی به افراد با ناتوانی به طور معناداری با خود پنداره، نظر شخص در مورد توانایی هایش و به کار گرفتن توانایی ها و مهارت ها در توان بخشی حرفه ای رابطه دارد (اسکیور، ۲۰۱۱). در طول تاریخ افراد با کم توانی ذهنی در بیشتر و شاید همه جوامع به عنوان یک گروه با قدرت پایین در نظر گرفته شده اند. در پژوهش های مختلفی که در مورد نگرش به افراد ناتوان انجام گرفته، نشان داده است که مردم به درجات مختلف نگرش های منفی به افراد با ناتوانی دارند (مثل ریمرمن، هازمی و داودوانی، ۱۹۹۸). در پژوهشی مشخص شد که بیشتر آمریکایی ها احساس

آلپورت (۱۹۵۴) پیش داوری را نوعی بیزاری جستن از یک فرد یا یک گروه ویژه بر اساس تعمیم اشتباه و غیر قابل انعطاف تعریف کرد. پیش داوری یک نوع نگرش است و هر نگرش می تواند شامل سه مؤلفه شناختی (ارزیابی منفی)، عاطفی (احساس بیزاری) و رفتاری (گرایش به سمت رفتارهای تبعیض آمیز) باشد که این سه مؤلفه لزوماً با هم هماهنگ نیست. ارزیابی منفی که مشخص کننده پیش داوری است می تواند ناشی از روابط احساسی، نیاز به توجیه کردن رفتار یا ناشی از باورهای منفی که تصورات قالبی نامیده می شود، باشد. تصورات قالبی راهی برای ساده تر کردن درک جهان هستند (مایرز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). به طور کلی نگرش ها انعکاس دهنده یک پیش زمینه برای رفتار کردن به شیوه های کلیشه ای و قابل پیش بینی نسبت به اعضای یک گروه ویژه است (هانت و هانت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰).

اسکیور<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) بر اهمیت مطالعه نگرش به گروه های با ناتوانی به علت ارتباط بین نگرش های منفی با رفتارهای سوگیرانه و تبعیض آمیز تاکید کرد. از آنجا

1. stereotype
2. Mayers
3. Hunt & Hunt
4. Scior

شکل گیری نگرش های مبتنی بر پیش داوری در افراد با ناتوانی تحت تاثیر علل مختلفی است. به طور کلی به نظر می رسد که نگرش به افراد با ناتوانی تحت تاثیر علل مختلف فرهنگی، جمعیت شناختی، نوع ناتوانی، ارزشیابی افراد از ناتوانی و عوامل درونی مربوط به آسیب (مثل موضع و میزان آشکار بودن آسیب) است (دیل<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۳). ارتباط با افراد دارای ناتوانی نقشی کلیدی در شکل گیری نگرش های قابل قبول<sup>۲۰</sup> یا غیر قابل قبول<sup>۲۱</sup> دارد. نخستین پژوهش ها نشان می دهد که دانش، عاطفه و ارتباط سه عنصر اصلی مؤثر در نگرش به افراد با ناتوانی است. جوردن<sup>۲۲</sup> نشان داد که ارتباط داوطلبانه با افراد ناتوان نقش مهمی در شکل گیری نگرش های مثبت دارد. رایت<sup>۲۳</sup> (۱۹۸۳) بین تماس لحظه ای<sup>۲۴</sup> و مداوم<sup>۲۵</sup> تمایز قایل شد. در ارتباط لحظه ای، زمان و فرصت کافی برای ایجاد نگرش های مثبت وجود ندارد، گرچه احتمال دارد در ارتباط مداوم هم احساس متضادی ایجاد شود (به نقل از ریمن، هوزمی و دادونی<sup>۲۶</sup>، ۲۰۰۰). ریمرمن، هوزمی و دادونی (۲۰۰۰) دریافتند که بین زمان ارتباط با شخص دارای ناتوانی و نگرش ها رابطه وجود دارد. افرادی که دوست با ناتوانی دارند، نگرش های مثبت تری نسبت به آنها دارند (بادیش<sup>۲۷</sup>، ۲۰۰۴). دانشجویان سال های بالاتر به علت ارتباط بیشتر با افراد ناتوان نگرش های مثبت تری دارند که این ارتباط منجر به پذیرش بیشتر افراد ناتوان می شود. علاوه بر این زنان بیش از مردان افراد با ناتوانی را می پذیرند (پانک و جانگرز<sup>۲۸</sup>، ۲۰۰۵)، وارنر و دیویسون<sup>۲۹</sup> (۲۰۰۴). نتایج پژوهش ساشیدانند و همکاران<sup>۳۰</sup> (۲۰۱۲) نشان داد که نگرش دانشجویان و متخصصان بهداشت به افراد با ناتوانی جسمی مثبت است و تجربه بیشتر با افراد دارای ناتوانی و نیز جنسیت زن با نگرش مثبت رابطه دارد. پژوهشی بر روی ۵۸۷ نفر از دانشجویان رشته پرستاری در ترکیه نشان داد که

می کردند که افراد با ناتوانی به طور اساسی از افراد عادی متفاوت هستند (هریس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱)، همچنین افراد با کم توانی ذهنی به عنوان سر بارهای اقتصادی<sup>۲</sup> (گالاگر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵)، فاقد میل جنسی<sup>۴</sup> (نوفلت و میلیگان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱)، وابسته (لیونه<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱)، گناهکار<sup>۷</sup> و ضعیف (بیکن باخ<sup>۸</sup>، ۱۹۹۳)، منزوی و از نظر عاطفی بی ثبات (جوردن و گودارد<sup>۹</sup>، ۱۹۹۸) ادراک می کردند.

یکی از گروه های با ناتوانی که به طور خاصی مورد پیش داوری قرار می گیرد، افراد با کم توانی ذهنی هستند (تالر و اشنايدر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۵، تنگ، دیویس، وو، و اولیور<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۰). یوکر<sup>۱۲</sup> (۱۹۸۸) درجات پذیرش (یعنی تمایل برای ازدواج یا همسایگی) افراد مبتلا به ۲۴ ناتوانی از جمله بیماری روانی، فلج مغزی، کم توانی ذهنی و ناشنوایی را بررسی کرد. نتایج نشان داد که برخی ناتوانی ها مثل دیابت بالاترین و برخی ناتوانی ها مثل ناتوانی های چند گانه و کم توانی ذهنی پایین ترین درجه پذیرش را داشتند. برچسب کم توانی ذهنی باورها و انتظارات منفی به همراه دارد. در سال ۲۰۰۱ انجمن کم توانی ذهنی آمریکا تصمیم جدی گرفت که از نام انجمن، کم توانی ذهنی را حذف کند. اصطلاح های پیشنهادی جایگزین برای کم توانی ذهنی شامل ناتوانی ذهنی<sup>۱۳</sup> (اشکالاک<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۲)، ناتوانی های تحولی<sup>۱۵</sup> (اسمیت، ۲۰۰۲)، و ناتوانی یا تأخیر شناختی سازگاری (والش<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۲) بود. اما بسیاری از متخصصان اعتقاد دارند صرف نظر از اصطلاحی که به عنوان جایگزین کم توانی ذهنی به کار برده می شود، اصطلاح جدید هم به تدریج رنگ داغ یا برچسب به خود می گیرد (کانایا، اسکولین و سسی<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۳). در واقع برچسب ناشی از نوعی پیش داوری در مورد گروهی ویژه است (فلان، لینک و داویدو<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۸).

1. Harris
2. economic burdens
3. gallagher
4. asexual
5. Neufeldt & Milligan
6. Livneh
7. Having sinned
8. Bichenbach
9. Goddard & Jordan
10. Towler & Scheider
11. Tang, Davis, Woo & Oliver
12. Yucker
13. Mental disability
14. Schalok
15. Developmental disability
16. Walsh
17. Kanaya, Scullin & Cecie
18. Link. Phelan & davidio

19. Deal
20. favorable
21. nfavorable
22. Jordan
23. wright
24. episodic
25. continues
26. Rimmerman, Hozmi & Duvdevany
27. Budissch
28. Panek & Jungers
29. arner & Davison
30. Stachidanand

عنوان پیش‌داوری مدرن نام برده می‌شود (اکرمی و همکاران، ۲۰۰۶).

نگرش‌های پیش‌داورانه و رفتارهای تبعیض‌آمیز وقتی ظاهر می‌شوند که بتوانند پشت پرده برخی از انگیزه‌های دیگر مخفی شوند و در کشورهای اروپایی مثل فرانسه، بریتانیا و آلمان پیش‌داوری‌های ظریف<sup>۶</sup> (بزرگ‌نمایی کردن تفاوت‌های حقوقی، احساس پذیرش و عاطفه کمتر برای اقلیت‌ها، طرد افراد اقلیت به بهانه و دلایل غیر نژادپرستانه) جایگزین پیش‌داوری‌های سرزنش‌آمیز<sup>۷</sup> شده است. این پیش‌داوری‌های ظریف، پیش‌داوری مدرن<sup>۸</sup> نامیده می‌شود. در پیش‌داوری مدرن، انکار تبعیض و ضدیت برای ارتقای کیفیت زندگی اقلیت به شکل ظریف و پنهان خود را نشان می‌دهد. از طرفی ممکن است زیاد بودن حساسیت به گروه اقلیت به صورت واکنش‌های بیش از حد هم به صورت بیش تجلیلی<sup>۹</sup> از دستاوردهای گروه اقلیت و بیش انتقادی<sup>۱۰</sup> از اشتباهات‌های آن‌ها خود را نشان دهد (مایرز، ۲۰۰۵). برای مثال هربر<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۸) به دانشجویان سفید پوست یک انشای نوشته شده ضعیف داد تا ارزیابی کنند. وقتی دانشجویان فکر کردند که نویسنده انشا سیاه‌پوست است، آن‌را بالاتر ارزیابی می‌کردند تا وقتی تصورشان این بود که نویسنده انشا سفید پوست است. شاید دانشجویان می‌خواستند از آشکار شدن سوگیری خود پیشگیری کنند (مایرز، ۲۰۰۵). این دو نوع پیش‌داوری نشان‌دهنده دو سیستم نگرش<sup>۱۲</sup> است. فرد نسبت به یک موضوع واحد دو نوع نگرش مختلف آشکار<sup>۱۳</sup> (هشیار) و ضمنی<sup>۱۴</sup> (ناهشیار) دارد. فرد ممکن است از کودکی یک نوع ترس یا تنفر ناخودآگاه و عادت‌ی از افرادی که هم‌اکنون برای آنها احترام قائل است، داشته باشد. گرچه نگرش‌های آشکار ممکن است با آموزش تغییر کند، ولی نگرش‌های ضمنی تداوم دارد و فقط وقتی از طریق تمرین و تجربه، عادت‌های جدید شکل گرفت، عوض می‌شود. پیش‌داوری‌های کلاسیک با سیستم

سن، رشته تحصیلی، دانش قبلی و نشان داد که سن، رشته تحصیلی، مراقبت از فرد با ناتوانی در خانواده یا زندگی اجتماعی عوامل پیش‌بینی‌کننده نگرش مثبت به افراد با ناتوانی بود (یاسال و همکاران، ۲۰۱۳). اسکيور (۲۰۱۱) بر اساس ۷۵ پژوهش درباره نگرش به افراد ناتوان که در پایگاه‌های سایکوااینفو وب آو ساینس منتشر شده بود، نشان داد که سطح تحصیلات و ارتباط قبلی با شخص دارای ناتوانی، نگرش را پیش‌بینی می‌کند، در حالی که تأثیر جنسیت در پژوهش‌های مختلف متفاوت بود.

براون و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) نگرش دانشجویان توان‌بخشی حرفه‌ای را نسبت به افراد با ناتوانی در کشورهای استرالیا، تایوان، انگلستان و آمریکا بررسی کردند. نتایج نشان داد نگرش دانشجویان در این کشورها متفاوت است. نگرش کلی به افراد با ناتوانی شامل احساس ناراحتی، ترحم، مقابله‌ای، ترس و آسیب‌پذیری بود. گورزنی، بندر، کاروسو و فینستین<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) نگرش ۱۲۹ نفر از افرادی که در کنفرانسی با هدف بالا بردن کیفیت زندگی افراد با ناتوانی شرکت کرده بودند را بررسی کردند. نتایج نشان داد که نگرش کلی افراد نسبت به افراد با ناتوانی مثبت بود و جنسیت و سن به طور معناداری با نگرش رابطه داشت، به طوری که زنان و افراد کم‌سن‌تر نگرش مثبت‌تری داشتند.

پژوهش‌های مختلفی که بر روی نگرش‌ها و عوامل موثر بر آن صورت گرفته بر اساس ابزارهای خود گزارشی است و نشان‌دهنده تغییرات در جهت پذیرش بیشتر افراد با ناتوانی است (آنتانوک و لیونیه، ۲۰۰۰). با این حال اسناد آماری نشان‌دهنده این است که با وجود اعمال سیاست‌ها و قانونگذاری‌ها در جهت حمایت از افراد با ناتوانی بهبودی اندکی در فرصت‌های شغلی، دستیابی به امکانات، موقعیت اقتصادی و یکپارچگی اجتماعی آنها رخ داده است (کای، ۱۹۹۸). با اینکه مرزهای ظاهری و ساختاری همچنان شکسته می‌شود، اما مرزهای خیلی ظریف و رایج در ذهن‌ها بین افراد با ناتوانی و عادی وجود دارد که شاید توضیحی برای روند آهسته تغییرات مثبت باشد و از آن تحت

6. Akrami et al.

7. Su. btle

8. blatant

9. modern

10. Over praising

11. Over critizing

12. Herber

13. Dual attitude system

14. explicit

15. impilicite

1. Yasal

2. Brown et al.

3. Gorecezny, Bender, Caruso, Feinstein

4. Antonok & Livneh

5. kaye

به طور غیرمستقیم می توانند آگاهی کسب کنند مثل رشته های علوم انسانی غیر از گروه الف و (گروه ج) رشته های علوم پایه و فنی مهندسی، به سه گروه تقسیم شدند و بر اساس نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای تعداد ۱۸۹ نفر انتخاب گردیدند. باید یادآوری کرد که دانشجویانی که تمایلی برای شرکت در پرکردن پرسشنامه نداشتند از پژوهش حذف شدند.

در این پژوهش پیش داوری کلاسیک مبتنی بر تصورات قالبی از جمله فطرتاکی بودن افراد با کم توانی ذهنی، بی فایده بودن سرمایه گذاری برای آنها، فاجعه پنداشتن ازدواج با آنها و ... و در مقابل پیش داوری مدرن بر مواردی مثل کم توجهی به افراد ناتوان در (رسانه ها) و از طرفی کم دانستن فواید اجتماعی برای آنها تاکید می کند.

**ابزار:** ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل مقیاس نگرش های کلاسیک و مدرن به افراد با کم توانی ذهنی بود. این مقیاس توسط اکرمی و همکاران (۲۰۰۶) بر مبنای نظریه سرس طراحی و هنجاریابی شد. وی این مقیاس را دارای پایایی و روایی قابل قبول گزارش کرد. دو زیر مقیاس نگرش های کلاسیک و مدرن در عین اینکه با هم رابطه دارند ولی بر اساس تحلیل عاملی تاییدی به خوبی تفکیک شده اند. این مقیاس دارای ۱۹ سؤال (۸ سؤال برای پیش داوری کلاسیک و ۱۱ سؤال برای پیش داوری مدرن) است و بر اساس طیف لیکرت چهار گزینه ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم (از ۱ تا ۴ نمره) نمره گذاری می شود. هماهنگی درونی این مقیاس با اجرا بر روی دانشجویان دانشگاه اصفهان ۰/۷۸ به دست آمد. برای سنجش ارتباط با افراد کم توان ذهنی نیز با طرح ۱ سؤال از دانشجویان نظر خواهی شد و آنها یکی از گزینه های کم=۱، تا حدی=۲ و زیاد=۳ را انتخاب کردند.

**روش تحلیل آماری:** برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون تی تک نمونه ای، آزمون تی وابسته و تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد.

نگرش آشکار و پیش داوری مدرن با سیستم نگرشی ضمنی تطابق دارد (مایرز، ۲۰۰۵، ص ۳۳۷).

سرس پیش داوری مدرن را با سه مولفه انکار تبعیض مداوم، خصومت با گروه اقلیت و آزدگی<sup>۳</sup> از خدمات ویژه برای گروه اقلیت مشخص کرد (به نقل از اکرمی و همکاران، ۲۰۰۶). این طبقه بندی برای بافت های فرهنگی مختلف و گروه های مختلف مورد تبعیض، قابل شناسایی است (اکرمی و همکاران، ۲۰۰۰). اکرمی و همکاران (۲۰۰۶) نشان داند که انواع پیش داوری مدرن و کلاسیک در افراد ناتوان ذهنی قابل تمایز است و دانشجویان دختر و پسر به میزان بیشتری پیش داوری مدرن دارند تا کلاسیک.

با توجه به این که در هر جامعه ای پیش داوری نسبت به افراد با ناتوانی وجود دارد که می تواند در دو شکل کلاسیک و مدرن خود را نشان دهد و پژوهشی در این زمینه در ایران صورت نگرفته و اهمیت این موضوع برای اجرای سیاست گذاری ها در زمینه افراد با ناتوانی بسیار بالاست و دانشجویان به عنوان قشر فرهیخته و افرادی که در آینده مسئولیت های مختلفی در جامعه ایفا می کنند، به طور مستقیم یا غیر مستقیم با مسائل مربوط به افراد با کم توانی ذهنی مواجه خواهند بود، شناسایی دیدگاه آنها نسبت به افراد با کم توانی ذهنی از اهمیتی ویژه برخوردار است. بنابراین هدف این پژوهش بررسی میزان انواع پیش داوری کلاسیک و مدرن در مورد افراد با کم توانی ذهنی در دانشجویان و بررسی رابطه جنسیت و رشته تحصیلی بر انواع پیش داوری بود.

## روش

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان کارشناسی دختر و پسر دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ بودند که بر اساس میزان ارتباط رشته تحصیلی آنها با میزان تماس با افراد دارای ناتوانی (گروه الف) رشته هایی که واحدهای آموزشی تخصصی یا پایه مرتبط با افراد دارای ناتوانی دارند مثل روان شناسی و علوم تربیتی، (گروه ب) رشته هایی که واحد تخصصی در ارتباط با افراد ناتوان ندارند ولی به اقتضای رشته

1. Continued discrimination  
2. antagonism  
3. resentment

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین میزان پیش‌داوری مدرن با پیش‌داوری کلاسیک تفاوت دارد. دانشجویان پسر نسبت به دانش‌آموزان دختر هر دو نوع پیش‌داوری را بیشتر بیان کردند. میزان پیش‌داوری با توجه به رشته تفاوت چندانی را نشان نمی‌دهد و دانشجویانی که ابراز کردند میزان ارتباط بیشتری با افراد دارای کم‌توانی ذهنی دارند، پیش‌داوری کلاسیک کمتری را نشان دادند، ولی از نظر پیش‌داوری مدرن تفاوت زیادی به چشم نمی‌خورد.

بر اساس نتایج جدول ۲، هر دو نوع پیش‌داوری کلاسیک و مدرن در جامعه دانشجویان وجود دارد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمره‌های نگرش‌های کلاسیک و مدرن بر حسب متغیرهای مختلف مورد بررسی

سطح شاخصهای متغیر	کلاسیک		مدرن		متغیر آماری	جنسیت
	تعداد	میانگین	تعداد	میانگین		
دختر	۱۵۴	۲۱/۱۷	۱۵۴	۱۷/۴۵	۲/۰۹	جنسیت
پسر	۳۵	۱۸/۲۲	۴۳	۱۸/۲۵	۲/۰۶	
گروه الف	۷۱	۲۱/۰۸	۷۱	۱۷/۳۶	۳/۱	رشته
گروه ب	۷۳	۲۱/۲۴	۷۳	۱۷/۴۲	۲/۸	
گروه ج	۴۵	۲۱/۹۷	۳۵	۱۸/۳۱	۲/۳	
کم	۱۰۰	۲۴/۵۸	۱۰۰	۱۷/۵	۵۷	میزان تماس
تا حدی	۷۱	۲۱/۰۷	۷۱	۱۷/۲	۳/۲	
زیاد	۱۸	۱۸	۱۷	۱۶	۱/۴	
کل	۱۸۹	۲۱/۳۵	۱۸۹	۱۷/۵	۳/۰۲	

جدول ۲. نتایج آزمون تی تک نمونه ای برای پیش‌داوری کلاسیک و مدرن

تی	تفاوت میانگین	درجه آزادی	سطح معنی داری
کلاسیک (۲۱,۳۵)	۱۱/۵۸	۱۸۹	۰/۰۰**
مدرن (۱۷,۵)	۶/۰۵	۱۸۹	۰/۰۰**

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بین میزان پیش‌داوری گروه‌های دختر و پسر و نیز بین میزان پیش‌داوری دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف تفاوت معنی دار وجود ندارد؛ ولی دانشجویان بر اساس میزان ارتباط با افراد دارای کم‌توانی ذهنی میزان پیش‌داوری کلاسیک متفاوتی نشان می‌دهند، به این صورت که هرچه میزان ارتباط بیشتر باشد، پیش‌داوری کلاسیک کمتر است. اما در مورد پیش‌داوری مدرن چنین تفاوتی وجود ندارد.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه میزان پیش داوری کلاسیک و مدرن با توجه به جنسیت، رشته تحصیلی و میزان ارتباط

α	F	میانگین	درجه‌ی	مجموع	منبع پراش
		مجدورات	آزادی	مجدورات	
۰/۱۷ <sup>ns</sup>	۱/۸۸	۲۳/۵۸	۱	۲۳/۵۸	جنسیت
۰/۱ <sup>ns</sup>	۱/۷۶	۱۴/۸	۱	۱۴/۸	
۰/۴ <sup>ns</sup>	۰/۷۶	۹/۵	۲	۱۹/۱۸	رشته تحصیلی
۰/۲ <sup>ns</sup>	۱/۴	۱۱/۹۳	۲	۲۳/۸۷	
۰/۰۴ <sup>**</sup>	۲/۶	۲۹/۸۴	۳	۵۹/۱	میزان ارتباط
۰/۱ <sup>ns</sup>	۱/۲	۵/۸	۳	۱۱/۵۸	

### بحث

و مدرن در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی دار به دست نیامد. در حالی که در پژوهش اکهارم، اکرمی، و ارای (۲۰۰۳) زنان نسبت به مردان پیش داوری های ضمنی بیشتر و مردان پیش داوری های آشکار (کلاسیک) بیشتری نشان دادند. مایرز (۲۰۰۵) با مستند قرار دادن پژوهش های مختلف اذعان دارد که مردان بیش از زنان پیش داوری دارند. شاید در این پژوهش تمرکز بر روی قشر دانشجو یا عدم تناسب نمونه دختر و پسر توجیهی برای این یافته ها باشد. انتظار می رود دانشجویانی که رشته تحصیلی آنها ارتباط مستقیم با افراد دارای ناتوانی دارد میزان پیش داوری کمتری را نشان بدهند، اما در این پژوهش میزان دو نوع پیش داوری بین رشته ها تفاوت معنی دار را نشان نداد. دانشجویانی که ابراز کردند میزان ارتباط بیشتری با افراد ناتوان دارند پیش داوری کلاسیک کمتری نشان دادند، اما در نوع مدرن تفاوت معنی دار نشان ندادند. دانش ممکن است منجر به کاهش پیش داوری کلاسیک شود، اما برای کاهش پیش داوری مدرن عوامل مهم تر و عمقی تری از جمله ارتباط مستقیم با زمان متناسب مورد نیاز است. عامل مهم تر در ایجاد نگرش های مثبت به افراد دارای ناتوانی به ویژه در کاهش پیش داوری های مدرن آشنایی بیشتر با افراد ناتوان است. محیط آموزشی می تواند با ارایه فرصت هایی برای بیشتر دانشجویان با افراد دارای کم توانی ذهنی از طریق ارتباط مستقیم و بالا بردن سطح دانش، زمینه کاهش پیش داوری های مختلف را فراهم

بر اساس یافته های این پژوهش پیش داوری در دو شکل کلاسیک و مدرن در بین دانشجویان وجود دارد. این یافته در جهت نتایج به دست آمده از پژوهش های ریممن (۱۹۹۸)، هریس (۱۹۹۱) و تنگ، دیویس، وو و اولیور (۲۰۰۰)، و تالر و اشنايدر (۲۰۰۵) است. از طرفی دانشجویان به میزان بیشتری پیش داوری مدرن دارند تا کلاسیک. این یافته نیز در جهت تایید یافته های اکرمی و همکاران (۲۰۰۶) است. وقتی در جامعه بر روی حقوق افراد با ناتوانی، پذیرش آنها و فراگیرسازی آنها در قالب های مختلف تأکید شود، ممکن است افراد از نشان دادن نظری واقعی خود مبنی بر پیش داوری ها و تبعیض علیه افراد با ناتوانی خودداری کنند و در نتیجه پیش داوری های خود را از نوع سرزنش آمیز به نوع ظریف و غیر سرزنش آمیز نشان دهند. در این پژوهش پیش داوری کلاسیک مبتنی بر تصورات قالبی از جمله خطرناک بودن افراد با کم توانی ذهنی، بی فایده بودن سرمایه گذاری برای آنها، فاجعه پنداشتن ازدواج با آنها و ... و در مقابل پیش داوری مدرن بر مواردی مثل کم توجهی به افراد ناتوان در رسانه ها و از طرفی کم دانستن خدمات اجتماعی برای آنها تأکید می کند. در پیش داوری مدرن افراد تحت پوشش بزرگ نمایی کردن حقوق افراد با ناتوانی به صورت اینکه با دیگر افراد جامعه برابر هستند به طور ضمنی خدمات ویژه برای آنها را زیر سؤال می برند. در این پژوهش بین میزان پیش داوری های کلاسیک

محدود بودن نمونه به دانشجویان دانشگاه و عدم بررسی دیدگاه‌های افراد غیر دانشجوی اشاره کرد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود این پژوهش با نمونه بزرگتر و بر روی اقشار مختلف افراد جامعه تکرار شود و نقش متغیرهای مختلف در ایجاد و تغییر نگرش نسبت به افراد با کم توانی ذهنی بررسی گردد.

آورد. با وجود این چنین فرصت‌هایی در دانشگاه حتی برای دانشجویانی که به طور تخصصی باید با افراد ناتوان کار کنند، به طور اندک فراهم می‌شود و پیشنهاد می‌شود که با هدف ایجاد نگرش‌های مثبت واحدهای عملی بیشتر با هدف مواجهه مستقیم با افراد ناتوان فراهم آید. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به

ing, 30, 307-313.

- Goddard, L. , & Jordan, L. (1998). The changing attitudes about persons with disabilities: effects of a simulation. *Journal of Neuroscience Nursing*, 30 (5), 307-313.
- Goreczny, A. J. , Bender, E. E. , Caruso, G. , Feinstein, C. S. (2011). Attitudes toward individuals with disabilities: Results of a recent survey and implications of those results, *Research in Developmental Disabilities*, 32(5), 1596–1609.
- Harris, L. (1991). Public attitude towards people with disabilities .New York: Louis, Harris and associates.
- Hunt, B. , & Hunt, C. S. (2000). Attitudes toward people with disabilities: A comparison of undergraduate rehabilitation and business majors. *Journal of Rehabilitation Education*, 14, 269-283.
- Kanaya. T. scullin, M. H. , Cecie, s. J. (2003). The impact of rising IQ Scores on American society via mental retardation diagnosis. *Journal of American Psychologist*, 58, 778-790.
- Kaye, H. S. (1998). Is the status of people with disabilities improving? *Disability Statistics Abstracts*, 21, 1-4.
- Livneh, H. (1991). On the origins of negative attitudes toward people with disabilities. In R. P. Marinelli & A. E. Dell Orto (Eds.). *The psychological & social impact of disability*, pp. 181-196. New York: Springer.
- Mayers, D. G. (2005). *Social Psychology*. Boston: McGraw Hill Companies.
- Akrami, N. , Ekehammar . B, Claesson . M, & Sonnander . K (2006). Classical and modern prejudice: Attitudes toward people with intellectual disabilities, *Journal of Research in developmental disability*, 27, 605-617.
- Antonak, R. F., & Livneh, H. (2000). Measurement of attitudes towards persons with disabilities. *Disability and Rehabilitation*, 22, 211–224.
- Bickenbach, J. E. (1993). *Physical disability and social policy*, University of Toronto Press: Canada.
- Brown. T, Mu, K, et al. (2009). Occupational therapy students 'attitudes towards individual disabilities' comparison between Australia, Taiwan, The united kingdom and The united states, *Research in Developmental Disabilities*.
- Budisch. K. (2004). Correlates of college students attitudes toward disabilities. *Journal of Undergraduate Research*, 2, 1-5.
- Deal, M. (2003). Disabled people's attitudes toward other impairment groups: A hierarchy of impairments. *Disability Society*, 18, 897–910.
- Ekehammar, B. , Akrami, N. , Araya. T. (2003) Gender differences in implicit prejudice, *Gender differences in implicit prejudice*, 34(8), 1509–1523.
- Gallagher, H. G. (1995). *By trust betrayed: Patients, physicians, and the license to kill in the third Reich*. Arlington, VA: Vandamere Press.
- Giddard . L & Jordan. L. (1998). Changing attitudes about persons with disabilities: Effects of a simulation. *Journal of Neuroscience Nurs-*

#### منابع

- atic review, *Research in Developmental disabilities*, 32(6), 2164-2182.
- Secombe J, A. (2007). Attitudes towards disability in an undergraduate nursing curriculum: a literature review. *Nurse Educ Today*. Jul; 27(5): 459-65.
- Smith, J. D. (2002). The myth of mental retardation: Paradigm shifts, disaggregation, and developmental disabilities. *Journal of Mental Retardation*. 40, 62-64.
- Tang, C. , Davis, C. , Wu, A. & Oliver, C. (2000). Chinese children's attitudes toward mental retardation. *Journal of Developmental and Physical Disabilities*, 12, 1, 73-87.
- Towler, A. J. , & Schneider, D. J. (2005). Distinctions among stigmatized groups. *Journal of Applied Social Psychology*, 35, 1-14.
- Uysal A, Albayrak B, Koçulu B, Kan . F, Aydın T. (2013) Attitudes of nursing students toward people with disabilities. *Nurse Educ Today*. pii: S0260-6917(13)00325-0. doi: 10.1016/j.nedt.2013.09.001.
- Walsh, K. K. (2002). Thoughts on changing the term mental retardation. *Journal of Mental Retardation*. 40, 70-75.
- Yuker, H. E. (1988). Attitudes toward persons with disabilities. *New York: Springer*.
- Milligan, M. S, Neufeldt, A. H. The Myth of Asexuality: A Survey of Social and Empirical Evidence, *Sexuality and Disability*, (19)(2), 91-109.
- Panek, P. E & Jungers, k. M. (2008). Effects of age ,gender ,and causality on perceptions of persons with mental retardation. *Journal of Research in Developmental Disabilities*, 29, 125-132.
- Phelan, J. C; Link, J. F & Dovidio, F. J. (2008). Stigma and prejudice: One animal or two?, *Journal of Social Science and Medicine* .xxx, 1-10.
- Rimmerman. A; Hozmi. B & Duvdevany. I. (2000). Contact and attitudes toward individual with disabilities among students tutoring children with developmental disability. *Journal of Intellectual & Developmental Disability*, 25, 1, 13-20.
- Satchidanand N, Gunukula SK, Lam WY, McGuigan D, New I, Symons AB, Withiam-Leitch M, Akl EA. (2012). Attitudes of healthcare students and professionals toward patients with physical . disability: a systematic review. *Am J Phys Med Rehabil*, 91(6) 533-45
- Scholack, R. I. (2002). What s in a name? *Journal of Mental Retardation*. 40, 59-61.
- Scior, K. (2011). Public awareness, attitudes and beliefs regarding intellectual disability: A system-